

## بررسی تطبیقی بوی باروت و عطر نارنج با خاطرات تن بر مبنای نظریه ژاک لاکان

<sup>۱</sup> فائزه عرب یوسف آبادی

<sup>۲</sup> طیبه کوچک زهی

<sup>۳</sup> ثریا عیسی زایی

### چکیده

کتاب‌های بوی باروت و عطر نارنج از آثار رضا کاظمی و خاطرات تن از احلام مستغانمی اگر چه به لحاظ صوری، متفاوت به نظر می‌رسند؛ اما در باطن دارای بنیانی هم‌بسته‌اند که حاصل تشابه دیدگاه‌های هر دو نویسنده، در تلفیق عشق و حماسه است. هدف در این پژوهش بررسی تطبیقی این دو اثر در راستای نشان دادن وحدت نیازهای انسان معاصر و همسانی مسائل زندگی در عصر حاضر است. روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از یادداشت‌برداری کتابخانه‌ای است. هدف در پژوهش حاضر این است که با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و بر اساس نظریه نظم‌های سه‌گانه ژاک لاکان، شخصیت‌های اصلی در این دو رمان مورد کنکاش و بررسی روان‌کاوانه قرار گیرد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که روند شکل‌گیری عواطف، در شخصیت اصلی هر دو اثر، از سه مرحله برخوردار است. مرحله خیالی، مربوط به قبل از جنگ است که به شکل عشق به مادر و کهن الگوی مادر نمادین وطنی آشکار می‌شود که آن‌ها را در خود پرورانده است. در مرحله دوم جنگ و شهادت عزیزان که آن‌ها را وارد «ساحت نمادین» می‌کند. در بزرگ سالی، این مسائل سبب می‌شود احساس فقدان و تمنای بی‌پایانی در آن‌ها ایجاد شود که تا حدودی با عشق‌ورزی به یک زن التیام یابد.

**کلید واژه‌ها:** بررسی تطبیقی، بوی باروت و عطر نارنج، خاطرات تن، رضا کاظمی و احلام مستغانمی.

<sup>۱</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی زابل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل - ایران. (نویسنده مسؤل)

[famoarab@uoz.ac.ir](mailto:famoarab@uoz.ac.ir)

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی زابل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل - ایران.

<sup>۳</sup> - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی زابل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل - ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۲/۰۵

### ۱- مقدمه

ادبیات پایداری شامل سروده‌ها و نوشته‌هایی با هدف برانگیختن حس مقاومت و پایداری و مبارزه علیه رفتار غیرانسانی هیئت حاکم یا دشمن متجاوز است که از طرفی، حس انسان دوستی، برادری و اتحاد را ترویج می‌دهد و بیداری و آگاهی مردم جامعه را نسبت به ستمی که به آن‌ها رفته فزونی می‌بخشد (الحسین، ۱۹۷۲: ۱۲) و از دیگر سو پیوسته با مردم در می‌آمیزد و با حالات و مناسبت‌های آنان در رویارویی با دشمن، همسو و همساز می‌گردد. این نوع ادبی در مفهوم امروزی خود بعد از جنگ جهانی دوم و با انحصارطلبی دولت‌های آمریکایی و اروپایی شکل گرفت. حوادث قرن بیستم مانند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و اشغال فلسطین و تهاجم به کشورهای اردن، سوریه، لبنان، مصر و ایران، نقش مؤثری در آفرینش آثار یگانه‌ای در حوزه ادبیات مقاومت ملل اسلامی داشت (شکری، ۱۳۶۶: ۹۱).

با توجه به آنچه گفته شد، در کشورهای مشرق زمین نویسندگان زیادی در حوزه ادبیات پایداری پا به عرصه وجود نهادند که از آن میان انگاره‌های داستانی رمان‌های *بوی باروت و عطر نارنج* از رضا کاظمی و *خاطرات تن* از احلام مستغانمی شباهت‌های قابل توجهی دارند؛ زیرا هر دو اثر به روابط عاطفی یک رزمنده با یک زن در جریان جنگ می‌پردازد و تلفیقی از حماسه و تغزل را به تصویر می‌کشد.

ساختار اپیزودیک هر دو اثر که داستان در قالب آن روایت می‌شود، درباره گذشته شخصیت‌های خود اطلاعات روشنی به دست نمی‌دهد و احساس عاطفی شخصیت‌های اصلی رمان را با سرک‌کشیدن مکرر به خاطرات پراکنده گذشته منعکس می‌کند. این گریز مکرر به خاطرات گذشته، نشان‌دهنده اهمیت گذشته؛ بویژه دوران کودکی، در ضمیر ناخودآگاه شخصیت‌های اصلی داستان است. با توجه به این که هر دو اثر زاینده حوادث و رویدادهای مشرق زمین (یعنی جنگ تحمیلی جمهوری اسلامی ایران و نبردهای آزادی بخش الجزایر ضد استعمار فرانسه) است، با بررسی متون این دو رمان، علاوه بر این که این دو اثر در عرصه ادبیات دو زبان پارسی و عربی معرفی می‌شود؛ مشترکات ناخودآگاه جمعی آن‌ها نیز از خلال دو رمان آشکار می‌شود.

۱-۱: پیشینه تحقیق

درباره نظریه لاکان پژوهش‌های متعددی نوشته شده است که اغلب مربوط به شرح و تفسیر عقاید اوست. از میان این آثار می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: کتاب *لاکان، دریدا، کریستوا* (Reading theory: an introduction to Lacan, Derrida, and Kristeva) (1993) نوشته مایکل پین (Michael Payne)، کتاب *واژگان لاکان* (Le vocabulaire de Lacan) (2002) نوشته ژان پیرکلرو (Jean- Pierre Clero)، کتاب *ژاک لاکان* (Jacques Lacan) (2005) نوشته شون هومر (Sean Homer) و کتاب *مبانی روان کاوی فروید- لاکان*، تألیف کرامت موللی (۱۳۸۷).

از دیگرسو، برخی از پژوهشگران نیز به کاربست این نظریه در متون ادبیات پرداختند؛ به عنوان مثال: فرضی و زرکانی در مقاله «تحلیل انقلاب روحی سنایی بر اساس نظریه ژاک لاکان» (۱۳۸۸) نشان می‌دهند که زندگی سنایی دو دوره ای نبوده؛ بلکه او در طی انقلاب روحی، سه مرحله را از سر گذرانده است که با استفاده از نظریه ژاک لاکان مراحل قابل تحلیل است؛ علاوه بر این، فرضی و خالقی چترودی در مقاله دیگری با عنوان «تأویل حکایت دو زاهد از تاریخ بیهقی براساس نظریه ژاک لاکان» (۱۳۸۸)، نشان داده‌اند که زمینه اصلی این داستان را سه شخصیت اصلی شکل می‌دهد که هر یک بر اساس ساحتی از نظریه لاکان قابل تحلیل است. یزخواستی و مولوی در مقاله «خوانشی لاکانی از شاهزاده احتجاب گلشیری» (۱۳۹۱)، علت عمده گسستگی و عدم انسجام ساختار «خود» شاهزاده احتجاب و ساختار روایی این رمان را نشان داده‌اند و مشخص کرده‌اند که این رمان در کدام ساحت لاکانی روایت می‌شود.

سعیدی در مقاله‌ای با عنوان: «نقد شعر تا انتهای حضور اثر سهراب سپهری از منظر رشد روانی سوژه در روان کاوی لاکان» نشان می‌دهد که این روش برای بررسی این اثر کاربرد دارد. او همچنین در مقاله «خوانشی لاکانی از شعر ندای آغاز اثر سهراب سپهری» (۱۳۹۲)، به این نتیجه می‌رسد که سپهری علاوه بر عرفان شرق، به مدد فلسفه و روان کاوی غرب؛ بویژه روان کاوی لاکان، سعی در شناخت حقیقت دارد. استاجی و بیانی در مقاله‌ای با عنوان «سنجش خودشیفتگی در شخصیت گرشاسب بر پایه نظریه ژاک لاکان» (۱۳۹۵)، با معرفی «خودشیفتگی»

و دیگر مفاهیم مرتبط از جمله «امر خیالی»، «مرحله آینه‌ای» و «غیر بزرگ» از دیدگاه ژاک لاکان، این پدیده روانی را در شخصیت گرشاسب در گرشاسب نامه بررسی و تحلیل نمودند.

درباره تطبیق ادبیات پایداری در ادبیات فارسی و عربی نیز تحقیق‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده است؛ از آن جمله می‌توان به اختصار به موارد زیر اشاره کرد:

زارع (۱۳۸۷) «آدب (الشعر) المقاومة فی فلسطین و ایران، موازنه و دراسته و تحلیل و نقد»، روز بهانی (۱۳۸۶) «بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت ایران و فلسطین با تاکید بر سه شاعر ایرانی و سه شاعر فلسطینی»، گنجعلی (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی صور خیال در دو شعر «فی یوم فلسطین» بدر شاکر السیاب و «پنجره» قیصر امین پور»، قائمی (۱۳۸۹) «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین»، صاعدی (۱۳۹۳) «تحلیل تطبیقی درون مایه‌های مقاومت در اشعار طاهره صفارزاده و زینب عبدالسلام عبدالهادی حبش»، حیدریان شهری (۱۳۹۰) «خوانش تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر ایران و فلسطین»، محسنی‌نیا (۱۳۸۸) «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب»، محمدی (۱۳۹۲) «بررسی تطبیقی رویکرد مضمونی ادبیات پایداری در ایران و فلسطین».

با توجه به پیشینه حاضر تاکنون پژوهشی که به تطبیق این دو اثر از منظر نظم‌های سه‌گانه ژاک لاکان پردازد، صورت نگرفته و این پژوهش از این منظر جدید است.

### ۱.۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

وجود شباهت‌های یادشده میان این دو اثر، از یک سو و فقدان تحقیقی بنیادین درباره این موضوع از سوی دیگر، نگارنده‌ها را بر آن داشت که وجوه تشابه این آثار مورد بررسی قرار دهند؛ از این رو، هدف پژوهش حاضر این است که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و بر اساس نظریه نظم‌های سه‌گانه ژاک لاکان، شخصیت‌های اصلی این دو رمان را مورد کنکاش و بررسی روان‌کاوانه قرار دهد.

نظریه نظم‌های سه‌گانه لاکان می‌تواند شناخت درستی از لایه‌های زیرین متن این دو اثر در اختیار ما بگذارد تا با هدف شناسایی مراحل رشد عاطفی شخصیت‌های اصلی آن‌ها، به خوانشی

جدید از متن و درکی عمیق از ناخودآگاه جمعی آن‌ها برسیم؛ بر اساس این هدف، پژوهش حاضر می‌کوشد با پاسخ به پرسش اصلی زیر، آثار مورد نظر را بررسی کند:

- در رمان‌های مورد بحث روند شکل‌گیری شخصیت‌های اصلی تا چه حد با نظریه‌ی نظم‌های سه‌گانه‌ی لاکان منطبق است؟

نتایج اولیه، حاکی از آن است که روند شکل‌گیری عاطفه‌ی شخصیت‌های اصلی از دوران کودکی تا بزرگسالی، کاملاً شبیه شکل‌گیری هویت کودک در نظریه‌ی نظم‌های سه‌گانه‌ی لاکان است؛ بر این اساس، دوره‌ی پیش از جنگ، «ساحت خیالی» است و جنگ و شهادت عزیزان آن‌ها را وارد «ساحت نمادین» می‌کند. در بزرگسالی این مسائل سبب می‌شود، احساس فقدان و تمنای بی‌پایانی در آن‌ها ایجاد شود که با عشق‌ورزی به یک زن التیام یابد. در ادامه، تلاش می‌کنیم، با تحلیل این موضوع در این دو اثر به پاسخ پرسش‌های این پژوهش برسیم.

#### ۱. خلاصه‌ی داستان‌ها

رمان *بوی باروت و عطر نارنج* داستان زندگی رزمنده‌ی ایرانی را از زبان اول شخص روایت می‌کند که از دوران کودکی با دختر یکی از آشنایان خانوادگی ارتباط دارد و پس از سال‌ها، موفق به ازدواج با او می‌شود؛ ولی مدتی پس از عقد محرمیت، به دلیل جنگ تحمیلی ایران و عراق مجبور به ترک یار و دیارش می‌شود. او پس از این جدایی، در محیط جبهه، اقدام به نامه‌نگاری برای معشوق خویش می‌کند و چهارده نامه با موضوعات مختلف برای او می‌فرستد.

در هر نامه که از نثری شاعرانه و ادبی برخوردار است، همسرش را بانو خطاب می‌کند و به درد دل با او، می‌پردازد. در این نامه‌ها خاطرات خوش کودکی، دوران عشق‌ورزی با معشوق و نوستالژی‌های دوری از وطن با حال و هوای جبهه و خونریزی‌ها و شهادت یاران، به گونه‌ای تلفیق شده‌است که برای مخاطب جذاب باشد و او را با خود همراه کند.

رمان *خاطرات تن* نیز با نثری شاعرانه و ادبی داستان زندگی یک مجاهد انقلابی الجزایر را با مباحث عاشقانه تلفیق کرده‌است. نویسنده این رمان داستان زندگی مردی به نام خالد را، از

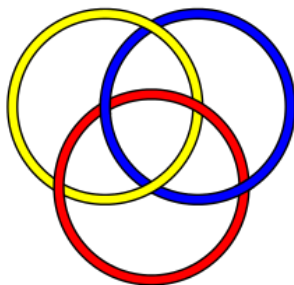
زبان اوّل شخص روایت می‌کند که در نبردهای آزادی‌بخش الجزایر، بر ضد استعمار فرانسه حضوری فعال داشته است و پس از دست دادن یک دست خود در جریان انقلاب از الجزایر تبعید می‌شود و دور از وطن در پاریس به سر می‌برد.

در این داستان، خالد هم‌رزم مجاهد و انقلابی مشهور طاهر است که از طرف او مأمور می‌شود به مسائل دخترش احلام رسیدگی کند؛ ولی پس از گذشت بیست و پنج سال، خالد و احلام وارد رابطه‌ای عاطفی می‌شوند. بخش‌های مختلف این رمان به شرح دلدادگی‌های خالد به احلام و خاطرات فراموش‌شده گذشته و یادکرد از وطن و اوضاع نابسامان جنگ و حوادث تلخ پس از آن در الجزایر اختصاص می‌یابد.

## ۲. بحث و بررسی

ژاک لاکان (۱۹۰۱-۱۹۸۱) از مهمترین روانکاوان فرانسوی است که پایه‌های تئوریک نظریه‌اش را بر بنیاد افکار فروید بنا کرد و با شعار "بازگشت به فروید" و تمرکز بر سرشت زبانشناسانه تشخیص و تحلیل روانی، به طرح اندیشه‌های خود پرداخت. در نظریه روانکاوی او، فرآیند رشد روانی انسان در سه مرحله اصلی بیان شده است که عبارت است از: ساحت خیالی، ساحت نمادین و ساحت واقع.

پیوند و رابطه این سه وجه، همانند "گره برومه" در هندسه موضعی (Topologie) است؛ یعنی: «زنجیری متشکل از سه حلقه به نحوی که اگر هر یک از حلقه‌ها را جدا کنیم دو حلقه دیگر از هم باز می‌شوند و تشکل خود را از دست می‌دهند.» (Lacan, ۲۰۱۱: ۹۳)<sup>۱</sup> شکل زیر تصویر گره برومه است که می‌توان هر یک از حلقه‌ها را به عنوان ساحت خیالی، نمادین یا واقع در نظر گرفت:



از نظر لاکان، «ساختمانِ نفسانی هر فرد، بسته به نوع پیوندی است که بنا بر سرگذشتش میان این سه عنصر ایجاد می‌شود.» (همان: ۹۳). در واقع هر گونه روان‌پریشی حاصل به هم ریختن رابطه درهم تنیده این سه وجه است. با به هم ریختن تعادل هر یک از این ساحت‌ها، انسجام و یکپارچگی ساحت‌های دیگر و به تبع آن تعادل ساختار روانی فرد به هم می‌ریزد (بوتبی، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۹۳) و او را دچار مشکل می‌کند.

### ۳. ۴. روانکاوی تطبیقی شخصیت‌های اصلی دو رمان

«شخصیت، فرد خیالی یا واقعی است که حوادث داستان یا نمایشنامه حول او می‌چرخد» (وهبه، ۱۹۷۴: ۶۵) و مهم‌ترین و پیچیده‌ترین عنصر یک متن روایی به حساب می‌آید (القاضی، ۲۰۰۹: ۶۸)؛ زیرا اگر یک داستان، زمان و مکان مشخصی نداشته باشد و یا از طرح و زاویه مناسبی بی‌بهره باشد، در هر صورت، باز هم یک داستان است؛ ولی اگر در آن شخصیتی، وجود نداشته باشد، ضعیف و غیرقابل تصور است.» (براهنی، ۱۳۸۵: ۶۳) در ادامه برای روانکاوی شخصیت‌های اصلی رمان‌های مورد بحث به معرفی هر یک از ساحت‌ها و ارائه مصادیق آن‌ها در متن مورد نظر می‌پردازیم:

### ۳. ۴. ۴. ساحت خیالی

ساحت خیالی، مرحله پیوند نوزاد با مادر است. «نوزاد، قبل از تولد در وحدت جسمانی با مادر است. این وحدت، در هنگام تولد جای خود را به وحدت نفسانی بین مادر و کودک می‌دهد. از آنجا که رشد کودک فرایندی است به سوی استقلال روز افزون، مادر و کودک ناگزیر خواهند بود که رفته رفته از این وحدت دست بشویند» (موللی، ۱۳۸۷: ۹۳). در این مرحله کودک از کلیت خود به منزله موجودی مستقل که دارای هویت باشد، هیچ درکی ندارد و «در یک رابطه نمادین با پیکر مادر به سر می‌برد؛ رابطه‌ای که در آن هیچ مرز مشخصی بین آن دو دیده نمی‌شود و کودک برای حیات متکی به پیکر مادر است.» (Eagleton، ۱۹۹۷: ۱۴۳)<sup>۲</sup>

جدای از بحث اتحاد کودک و مادر، این مرحله، مرحله «پیش زبانی رشد کودک است که در آن از منظر کودک هیچ تمایزی بین سوژه و اُبژه یا بین هستی او و دیگران وجود ندارد.» (Abrams, ۱۹۹۲: ۲۵۲)<sup>۳</sup>

کودک در انتهای این مرحله «توانایی تشخیص چهره خود را در آینه یا چیزی شبیه آن پیدا می‌کند. او طی حرکت‌های متناوب به رابطه بین حرکت‌ها در تصویر و محیط منعکس شده پی می‌برد و به این مجموعه مجازی و واقعیت تکرار شده یا همان خود و افراد و اشیاء اطراف واقف می‌شود.» (Lacan, ۲۰۰۲: ۳)<sup>۴</sup> این اتفاق بین سن شش تا هجده ماهگی رخ می‌دهد» (همان: ۴) و اهمیت آن از این روست که: «آنچه کودک در آینه می‌بیند در ادامه، خویشتن یا خود او را شکل می‌دهد.» (Payne, ۱۹۹۳: ۲۹)<sup>۵</sup>

ذکر این نکته ضروری است که «در رمان‌های مورد بحث، وطن جنبه کهن الگویی مادر اعظم را پیدا کرده است که همانند دیگر کهن الگوها در خیال‌پردازی‌ها، رویاها، هذیان‌ها و اوهام افراد آشکار می‌شود.» (یونگ، ۱۳۷۱: ۴۰۶)؛ «در اساطیر، افسانه‌ها و قصه‌های ملل مختلف تکرار شده و به تدریج مفاهیم مشترکی به خود می‌گیرد.» (ال‌گورین، ۱۳۷۰: ۱۷۲) کهن‌الگوی مادر اعظم، صفاتی را آشکار می‌کند که عبارت است از: شفقت و شوق مادرانه، فرزاندگی و رفعت روحانی و هر انگیزه یاری‌دهنده و هر آنچه که رشد و باروری را دربرمی‌گیرد.

اشکال مثبت کهن‌الگوی مادر با ویژگی باروری در مزرعه، باغ، درخت، جنگل، و ظرف گونگی غار، دریا و چاه نمود می‌یابد. با توجه به این نکته، مرحله خیالی در این رمان‌ها، مرحله زندگی روزمره هر دو رزمنده (رضا در رمان فارسی و خالد در رمان عربی) با مادر در کودکی و قبل از شروع جنگ است که در سطح نخست به شکل مادر اصلی آن‌ها و در سطح دیگر به شکل زهدان وطنی، آشکار می‌شود که آن‌ها را در خود پرورانده است.

در این مرحله، هر دو کودک غرق عشق مادر و مام وطن بودند و هیچ تصویری از این که احتمال جدایی آن‌ها از مادر و محل زندگی وجود داشته باشد، نداشتند. بیان این مرحله از زندگی شخصیت‌ها در این رمان، محدود به خاطرات مبهمی است که در ناخودآگاه این دو رزمنده ذخیره شده‌است؛ زیرا قتل و کشتار عزیزانشان به گونه‌ای در روان این دو فرد ثبت شده



است که تمام آن دوران خوش را، تحت الشعاع قرار داده، همانند یک خاطره شیرین به ناخودآگاه آنان، فروبرده است؛ بر این اساس، هر دو شخصیت با یادآوری خاطرات دوران کودکی دچار سرخوشی زودگذری می‌شوند که جنبه نوستالژیک دارد و آن‌ها را درگیر حسرتی گریزناپذیر می‌کند. نقل قول‌های زیر از زبان رضا و خالد به خوبی اعتقاد به خوشی دوران کودکی در کنار مادر را نشان می‌دهد: «کودکی‌ها و بهار نارنج‌های همسایه، کودکی‌ها و مربای پوست پرتقال مادرت، کودکی‌ها و گریه‌های دلتنگی، یادت هست؟» (کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۹) «ترانه‌های کودکی که یادت هست؟ با من بلند بلند ترانه بخوان.» (همان: ۳۵) «تو از کدام خاطره به هق‌هق گریه می‌رسی بانو؟ از این که بارانی کودکی‌هایم در خانهٔ مادر بزرگ برای همیشه جا مانده است؟» (همان: ۷۴)

«آن رختخواب زمینی مرا به یاد روزهای کودکی‌ام می‌انداخت که سال‌ها در کنار مادرم می‌خوابیدم، روی رختخواب پشمی‌ای که هنوز رنگ فیروزه‌ای‌اش به یادم مانده است» (مستغانمی، ۱۳۹۳: ۲۹۶). «در حالی که بستر ایام کودکی‌ام را به یاد می‌آوردم می‌خواستم فریاد بزنم. با یاد آن پتوی پشمینی که در موسم زمستانی قسطنطنیه رواندازم بود، می‌خواستم در شب غربتم فریاد بکشم» (همان: ۶۲).

### ۳ + ۴. ساحت نمادین

«بارزترین مشخصهٔ ساحت نمادین ماهیت زبانی آن است.» (Lacan, ۲۰۰۲: ۴)<sup>۶</sup> ورود کودک به ساحت رمز و اشارت یا نمادین با آشنایی با تکلم شروع می‌شود که «به معنای مرگ و فقدان اشیاء به معنای مادی آن برای او است؛ زیرا در این مرحله واژه (یا نماد) جایگزین اشیاء می‌شوند» (Clero, ۲۰۰۳: ۴۹)<sup>۷</sup>؛ به عبارت دیگر هنگام یادگیری هر واژه از زبان، واژه جایگزین چیزی می‌شود که بدان دلالت می‌کند، از همین رو واژه، حضوری ساخته شده از غیاب دارد «(Lacan, ۱۹۶۸: ۳۹)<sup>۸</sup>؛ زیرا در این هنگام: «کودک ناچار است برای بیان چیزی از کلمات استفاده کند، و به محض این که برای بیان چیزی از واژه‌ها استفاده کند در عرصهٔ دیگری قرار می‌گیرد.» (لیدر و گرووز، ۱۳۸۷: ۸۲)

علاوه بر این، کودک با ورود به امر نمادین و ساحت رمزی و درک حضور پدر، با ممنوعیت پیوستگی دائم با مادر روبرو می‌شود و این چنین: «عقدۀ اَدیپ سبب انتقال از ساحت خیالی به ساحت نمادین می‌شود» و سوژه از مرحله ارتباط و یکپارچگی با مادر به مرحله‌ای منتقل می‌شود که ارتباطش با محیط به واسطه زبان و براساس قوانینی است که لاکان آن را «نام پدر» نام می‌گذارد، تغییر می‌کند. منظور از نام پدر: «آن مفهومی است که رابطه مادر و فرزند را می‌شکند و کودک را به ساحت نمادین و تمنا و فقدان می‌برد... لاکان این مفهوم را نام پدر می‌نامد؛ زیرا آن، نه پدر واقعی است و نه حتی نقشی نرینه دارد؛ بلکه موضع قدرت و قانون نمادینی است که به منظور ممانعت از تمنای کودک دخالت می‌کند.» (Homer, ۲۰۰۵: ۵۳-۵۲)<sup>۹</sup> از آن پس، کودک ملزم می‌شود با جدایی ابدی از حیث خیالی و اتحاد با مادر، علاوه بر هنجارهای پدر واقعی هنجارها و بایدها و نبایدهای جامعه را نیز بپذیرد.

در رمان‌های مورد بحث ساحت نمادین با حمله دشمن به وطن آن‌ها و قتل عزیزانشان شکل می‌گیرد؛ در واقع زهدان وطن که مثل مادر آن‌ها را در خود داشته، اکنون مورد تجاوز دشمن و غارت قرار گرفته است و رضا و خالد مجبورند که این شرایط را بپذیرند. در این مرحله، اشغالگری بیگانگان، به تعبیر لاکان به مثابه پدری نمادین جلوه‌گر می‌شود که حضورش مانع اتصال دائمی این کودکان با مام وطن است. به تبع این اتفاق، نوعی نارضایتی توأم با دل‌تنگی، درباره وضعیت وطن در روان این دو رزمنده ایجاد می‌شود که غیرقابل اجتناب است. رنج موجود در نقل قول‌های زیر از هر دو رمان گواهی است بر مدعای ما: «دلم عجیب هوای آن حوالی کرده است. هوای رفتن‌ها و برگشتن‌ها، در کوچه و پس کوچه‌های بهاری شمال، مشرف به دریا. هوای سفری به باغ پروانه و نیلوفرهای غمگین.» (کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۸) «که دل‌تنگ می‌شویم. دل‌تنگ باران که دیگر نمی‌بارد. دل‌تنگ بوی خاک بارون خورده که خشک می‌شود. دل‌تنگ نرگس‌ها و مریم‌ها که نمی‌روید. دل‌تنگ می‌شویم بانو.» (همان: ۲۳) «عادت دیرسال زندگی گاهی با بوی نم کاهگل خانه‌های کویری و دریاچه‌های روشن و شمعدانی به بغل شمال خودمان نمودی آشنا می‌یابد.» (همان: ۱۷)

«چرا نکنند؟! کشور مال آنهاست و هواپیماها هم مال خودشان است ... می‌توانند همان طور که هر چه خواسته‌اند از آن بردارند، هر چه خواستند هم به آن بیاورند.» (مستغانمی، ۱۳۹۳: ۳۱۰). «آیا فهمیدی چرا روزی که قسطنطنیه<sup>۱۰</sup> را در درونم گشتی به طور ناخودآگاه من هم تو را کشتم» (همان: ۲۶۹). «شریف را دوست داشتم. در او هیبت و حضور قسطنطنیه، بخشی از الجزایر اصیل و حافظه آن و خصوصیات آن از ظاهر وجود داشت.» (همان: ۲۳۲)

### ۳ + ۴. ساحت واقع

از نظر لاکان کودکی که در مرحله نمادین با قانون پدر مواجه شده، مجبور است به نفع پدر جدایی از مادر را بپذیرد این فقدان سبب می‌شود که او در مرحله ساحت واقع به مادر میل بورزد و همین فقدان از این پس مطلوب یا مورد اصلی آرزومندی او را تشکیل دهد که موجب شود او همواره حسرت بازگشت به مرحله ساحت خیالی را داشته باشد؛ زیرا «تمنا (Desire) به مثابه مکانیزم اشتیاق، خود را سیری ناپذیر نشان می‌دهد و همواره برای میل شدید خود در جستجوی جانشین است.» (Ragland-Sullivan، ۱۹۸۷: ۷۸-۷۷)<sup>۱۱</sup> بنابراین، مرحله ساحت واقع، مرحله حسرت بازگشت به دوره نخست است که سوژه در آن نوعی احساس فقدان می‌کند و به دلیل همین احساس فقدان «همیشه با حیث رمز و اشارت مقابله می‌کند.» (Homer، ۲۰۰۵: ۸۳)<sup>۱۲</sup>

در رمان‌های مورد بحث ساحت واقع نیز به دنبال احساس فقدانی که رضا در رمان فارسی و خالد در رمان عربی به دلیل جدایی از مادر نمادین یا وطن دارند، نمود پیدا می‌کند. رضا و خالد که با اشغالگری دشمن، از دوره اتحاد با مادر نمادین جدا شده و پیوسته احساس فقدان دوره اتحاد با آن را می‌کنند، دست به عکس‌العملی جبرانی می‌زنند که آن‌ها را وارد ساحت واقع می‌کند؛ به این ترتیب که هر دو با یک زن که برای آن‌ها حکم ابژه‌ای مطلوب را دارد، سرگرم مهرورزی و قول و غزل می‌شوند.

در واقع رضا و خالد با مکانیسم جابه‌جایی (displacement) آن‌ها را جایگزین مادر می‌کنند تا این ارتباط برای مدت زمانی کوتاه، شکاف میان آن‌ها و مادر از دست رفته را به صورت استعاری از بین ببرد و دردشان به گونه‌ای نمادین التیام یابد. نقل قول‌های زیر خوشایندی حضور

این زنان را در زندگی قهرمانان هر دو رمان به خوبی نشان می‌دهد: «می‌دانی یاد چه افتادم این لحظه؟ یاد روز جشن ازدواجمان، بانو! یادت هست که مادر برای خوش‌یمنی، تفألی به دیوان حافظ خطی‌اش زد برای مان و غزلی آمد با این مطلع: «آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است/ یارب این تأثیر دولت در کدامین کوب است؟» (کاظمی، ۱۳۸۴، ۱۱)

«دوباره به طور ناخودآگاه به عادت‌های پنج سال پیشمان، وقتی که برای اولین بار در پاریس همدیگر را دیدیم بازگشتم» (مستغانمی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). «قلبم مرا به شتاب وامی‌داشت و برای رسیدن به آن ساختمان، در محلهٔ شمال شهر از من پیشی می‌گرفت؛ حتی هنوز هم درستی به یاد ندارم که چه کسی اول خانه‌تان را پیدا کرد؟ چشانم... یا قلبم» (همان: ۲۲۷).

بررسی هر دو رمان نشان می‌دهد که این ابژه‌های جایگزین شده، نتوانست رضا و خالد را کاملاً آرام کند و آرزومندی بی‌پایانشان را نسبت به مادر متوقف سازد. به نقل قول‌های زیر که نشانگر این ناآرامی است، بنگرید: «چقدر بی‌قرار می‌شویم و دست‌هامان هی پی چیزی می‌گردند و نمی‌یابند.» (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۳) «فال حافظی که مادر برایم گرفته همیشه با خودم زمزمه می‌کنم: ای پادشه خوبان داد، از غم تنهایی / دل، بی تو به جان آمد، وقت است که باز آیی» و چقدر مناسب حال امشب مناست.» (همان: ۹۳)

«نوعی پریشانی و تگه تگه شدگی حس می‌کردم. میان حسّی به مصطفی که حس‌هایی را بعد از آن سال‌ها در من بیدار کرده بود و انتظار صدای قدم‌هایت، که روزها بود مرا سخت ناتوان کرده بود و نیامدی نه در آن موقع، نه بعدش.» (مستغانمی، ۱۳۹۳: ۸۳) «به او گفتم که سه ماه است که مادرم فوت کرده است. دانست که او همه چیز را فهمیده. در حالی که روی شانهام می‌زد و چیزی شبیه اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: خدا رحمت کند.» (همان: ۳۴) «می‌توانستم به او بگویم: برادرم مرده است... تنها برادرم کاترین... و بزخم زیر گریه، آن روز احتیاج داشتم که مقابل کسی گریه کنم.» (همان: ۳۹۵)

## نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه درباره بررسی تطبیقی رمان‌های *بوی باروت* و *عطر نارنج* از رضا کاظمی با *خاطرات تن* از احلام مستغانمی بر مبنای نظریه ژاک لاکان گفته شد، این نتایج به دست آمد که روند شکل‌گیری عواطف در شخصیت اصلی هر دو اثر از سه مرحله برخوردار است. مرحله خیالی در هر دو رمان، مرحله زندگی روزمره هر دو رزمنده (رضا در رمان فارسی و خالد در رمان عربی) با مادر در کودکی و قبل از شروع جنگ است که در سطح نخست به شکل مادر اصلی آنها و در سطح دیگر به شکل زهدان وطنی آشکار می‌شود که آنها را در خود پرورانده است. بیان این مرحله از زندگی شخصیت‌ها در این رمان، محدود به خاطرات مبهمی است که در ناخودآگاه این دو رزمنده ذخیره شده است.

در رمان‌های مورد بحث ساحت نمادین با حمله دشمن به وطن آنها و قتل عزیزانشان شکل می‌گیرد. به تبع این اتفاق، نوعی نارضایتی توأم با دلتنگی درباره وضعیت وطن در روان هر دو رزمنده ایجاد می‌شود که غیرقابل اجتناب است. رضا در رمان فارسی و خالد در رمان عربی که با اشغالگری دشمن، از دوره اتحاد با مادر نمادین جدا شده و پیوسته احساس فقدان دوره اتحاد با آن را می‌کنند، دست به عکس‌العملی جبرانی می‌زنند که آنها را وارد ساحت واقع می‌کند؛ به این ترتیب که هر دو با یک زن که برای آنها حکم ابژه‌ای مطلوب را دارد، سرگرم مهرورزی و قول و غزل می‌شوند و آنها را جایگزین مادر می‌کنند تا دردشان به گونه‌ای التیام یابد.

یادداشت‌ها:

- 1- "Une chaîne de trois, et telle qu'à détacher un des anneaux de cette chaîne, les deux autres ne peuvent plus un seul instant tenir ensemble".
  - 2- "In the pre-Oedipal state, the child lives a 'symbiotic' relation with its mother's body which blurs any sharp boundary between the two: it is dependent for its life on this body".
  - 3- pre-linguistic stage of development that he calls the imaginary... In the imaginary stage, there is no clear distinction between the subject and an object. Or between the self and other selves".
  - 4- The human child, at an age can already recognize his own image as such in a mirror.. Indeed this eventually acquired control over the uselessness of the image, immediately gives rise in child to a series of gestures in which he playfully experiences the relationship between the movements made in the image and the reflected environment, and between this virtual complex and the reality in duplicates- namely the child's own by, and the persons and even things around him".
  - 5- What the child sees in the mirror, which appears to be the source of such playful delight, will model or form later the I".
  - 6- symbolique is structured as language".
  - 7- Le symbole est le meurtre de la chose, en ce qu'il se met a sa place et entend teir lieu d' ell".
  - 8- The word is a presene made of absence Through the word already a presene made of absene- absence itself comes to giving itself a name".
  - 9- Name-of-the-Father' is a signifier that breaks the mother/child couple and introduces the child into the symbolic order of desire and lack... Lacan calls this third term the Name-of-the-Father, because it does not have to be the real father, or even a male figure.it is It is also, as we will see, a position of authority and the symbolic law that intervenes to prohibit the child's desire".
- ۱۰- بخشی از الجزایر
- 11- Lacanian Desire shows up in the order of chronological time as an insatiable mechanism of yearning. In this latter sense, Desire as libido seeks comensation for the severed Jouissance of symbiotic union in replacements for the lost-ie: repressed- objects of Desire".
  - 12- real is that which resist symbolization absolutely".

توضیح اینکه:

«این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه زابل انجام شده است، به شماره گزنت: ۶۳-۹۵۱۷-GR-UOZ»

بدین وسیله از معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه زابل سپاسگزاری می‌گردد.»

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - ال‌گورین، ویلفرد و دیگران، (۱۳۷۰)، *راهنمای رویکردهای نقد ادبی*، ترجمه زهرا میهن‌خواه، تهران، اطلاعات.
- ۲ - انوشیروانی، علیرضا، (۱۳۸۹)، *ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران*، ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷-۳۸.
- ۳ - براهنی، رضا، (۱۳۸۵)، *قصه‌نویسی*، چ ۲، تهران، البرز.
- ۴ - بوتبی، ریچارد، (۱۳۸۴)، *فروید در مقام فیلسوف*، ترجمه سهیل سمی، تهران، ققنوس.
- ۵ - الحسین، قصى، (۱۹۷۲م)، *الموت و الحياه فى شعر المقاومة*، ط ۱، بیروت، دارالرائد العربی.
- ۶ - شکری، غالی، (۱۳۶۶)، *ادب المقاومة*، ط ۱، بیروت، دارالآفاق الجديده.
- ۷ - القاضی، عبدالمنعم زکریا، (۲۰۰۹)، *البنیه السردیه فى الروایه*، ط ۱، الجیزه، مرکز البحوث الانسانیه.
- ۸ - کاظمی، رضا، (۱۳۸۴)، *بوی باروت و عطر نارنج*، تهران، انتشارات رجاء.
- ۹ - لیدر، داریان و جودی گروز، (۱۳۸۷)، *لاکان: بررسی شخصیت، اندیشه و آثار*، ترجمه محمدرضا پرهیزگار، تهران، نظر.
- ۱۰ - مستغانمی، احلام، (۱۳۹۳)، *خاطرات تن*، ترجمه رضا عامری، چ ۲، تهران، افراز.
- ۱۱ - موللی، کرامت، (۱۳۸۷)، *مبانی روان‌کاوی فروید\_لاکان*، چ ۴، تهران، نی.
- ۱۲ - وهبه، مجدی، (۱۹۷۴)، *معجم مصطلحات نقد الروایه*، ط ۲، بیروت، مکتبه لبنان.
- ۱۳ - یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۷۱)، *خاطرات، رویاها و اندیشه*، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد، آستان قدس رضوی.

- 
- 15- Clero, Jean- Pierre , (2002), *Le vocabulaire de Lacan* , Paris: Ellipses.
  - 16- Eagleton, Terry ,(1997), *Literary Theory: an Introduction*, 2nd ed, Blackwell: Oxford.
  - 17- Homer,Sean ,(2005),*Jacques Lacan* , firsted, New York :Routledge.
  - 18- Lacan,Jacques ,(1968), *The Language Of The Selfe* ,Trans: AnthonyWilden, New York: Johns Hopkins University Press.
  - 19- \_\_\_\_\_ ,(2002), *Ecrits:A Selection*, trans:Bruce Fink . NewYork: Norton & Company.